info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۶۸
دوشنبه / ۵ اسفند / ۱۳۹۸
۲۹ / جمادی الثانی / ۱۴۴۱
24 / Feb/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبر

پنجمین خیریه اسفندگان

پنجمین خیریه اسفندگان کتاب بمنفع انجمن حمایت از حقوق کودکان، پنجشنبه هشتم اسفند ۱۳۹۸ از ساعت ۱۵ تا ۲۰ در کافه کتاب چهل کلاغ با حضور ۴۰ نویسنده برگزار می شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند آنلاین، قرشته احمدی، مهدی قزوینی، میترا الیانی، نازنین جودت، رضا جوایی، احمد حسن زاده، فرهاد حسن زاده، محمد حسینی، مریم حسینیان، امین حسینیون، مصطفی حسینیون، محسن حکیم منادی، علی خدایی، سینا دادخواه، آیت دولتشاه، لاله زارع، آتوسا زرنگار، ساناز زمانی، محمدرضا زمانی، امیرحسین شریفی، محمدحسن شهوری، علی اصغر شیرزادی، قرزام شیرزادی، لیلا صبوحی خامنه، محمد طلوعی، زهرا عبدی، عالیه عطایی، لیلی قرهاجدیو، نسیبه فضل الهی، الهام فلاح، کاوه فولادی نسب، ضحی کاظمی، شاهرخ گیوا، حسین لعل پذری، جواد مازنده، حسن محمودی، آیدا مرادی آهنی، نرگس مساوات، مریم منوچهری، مهدی یزدانی خرم و حضور غایب کیوش اسدی، نویسندگانی هستند که در این مراسم حضور دارند.

شیوه‌های حمایت از خیریه اسفندگان کتاب به شرح زیر است:

۱- خرید کتاب‌های نویسندگان حاضر در خیریه (همه منافع حاصل از قروش به خیریه اختصاص دارد)

۲- کمک‌های نقدی (این کمک‌ها صرف خرید کتاب‌های نویسندگان حاضر در خیریه و اهدای کتاب‌ها به کتابخانه‌های مناطق محروم خواهد شد. همه منافع مادی حاصل از این قروش نیز به خیریه اختصاص دارد)

۳- خرید کتاب‌های نویسندگان حاضر در خیریه و درصورت تمایل، اعلام اینکه کتاب‌ها به کتابخانه‌های مناطق محروم تحویل شود (همه منافع حاصل از این قروش نیز به خیریه اختصاص دارد)

پنجمین خیریه اسفندگان کتاب در کافه کتاب چهل کلاغ، واقع در مرکز خرید لاگ میدان تجریش برگزار خواهد شد.

فال ۴۱۷

امروز با حافظ

گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت
ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب زده
ز شور و عربده شاهدان شیرین کار
شکر شکسته سمن ریخته رباب زده

خوانش

من ای حس مبهم
تو را دوستَ دارم

قیصر امین پور

اذان

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۹	۰۷:۰۷	۱۲:۲۱	۱۷:۲۵	۱۷:۵۳

برگه

تا آن جا که می توانید، زندگی کنید و فقط روی نکات مثبت تمرکز کنید.

مت کامرون

گزارش

در رسای مردی وارسته

باهره حیدری- اولین بار سال ۹۲ بود در تحریریه مشغول کار بودیم. آن روزها تازه هفته نامه به روزنامه تبدیل شده بود و طبیعتا کارمان زیاد بود. آقای قرجاد که بخش زیادی از موقعیت مان را مدیون او هستیم مهمان های زیادی داشت. مردی جدی، موقر و با لبخندی مهربان وارد شد. هنگام خداحافظی چند کلامی با ما گفت و گو کرد و رفت. همکارم و من گفتیم چقدر معاشرت با این مرد حالمان را خوب کرد او کسی نبود جز دکتر سید کاظم امینی که با لحنی مهربان و ته لهجه شیرینش به ما دلگرمی داد و تشویق مان کرد او هر بار که به تحریریه می آمد به ما روحیه می داد و همیشه می گفت «شما ها جوان هستید در این دوره و زمانه ای که همه دست و پا می زنند از این کشور بروند شما اما نرفتید و اینجا مانده اید و این بسیار ارزشمند است» دکتر امینی مردی بود که بسیار به وطنش عشق می ورزید و همواره سعی داشت تا آموخته هایش را به زبان ساده و قابل فهم برای همگان در دسترس افراد بگذارد. او کتاب های زیادی را تألیف کرده بود ولی «خلاصه سازی مکاتبات و نوشته های اداری» کتابی سانه و روان به قلم این پژوهشگر و نویسنده با تجربه است که نمی شود تاریخ انتشاری برای آن در نظر گرفت. در پایان مقدمه این کتاب را مرور می کنیم. دکتر امینی همچنین سلسله مطالبی را بدون چشم داشت به روزنامه هدیه کردند. اول «صخی با پاستور نشین آینده» که مربوط به انتخابات بود همچنین در سال ۹۶ هم زمان با انتخابات مجلس مطالبات مردمی را طی یادداشت هایی در روزنامه به چاپ رساند. دوم رخداد های ایران در قرن تاریخ سوم هزار نگته باریک تر از مو و بسیاری مطالب دیگر.

لازم به ذکر است با توجه به این که بنر های چاپ شده قابل تجزیه نیست از این رو تصمیم بر آن شد مبلغی را به یاد روانشاد امینی به کار گلافی که زنان سرپرست خانوار در آن مشغول به کار هستند اختصاص دهیم باشد که گره ای از زندگی این خانواده ها باز کند **یادش گرامی و راهش پر رهرو.**

مقدمه کتاب «خلاصه سازی مکاتبات و نوشته های اداری»

ناگفته پنهانست میزان تنوع و پیچیدگی وظایف مدیران در این برهه از زمان بسیار بالاست و این امر باعث می شود تقاضا برای وقت آنها زیاد و زمان در اختیارشان اندک باشد تا آنجا که مدیران از هر جهت در تنگنا و حصر وقت به سر می برند یکی از عمده مواردی که مدیران به هنگام کار با آن مواجه هستند مطالعه نامه ها گزارش ها مقالات، آیین نامه ها، دستورالعمل ها، قوانین و مقررات و سایر نوشته های اداری است که حدود ۲۵ تا ۴۵ درصد وقت آنان را به خود اختصاص می دهد. مطالعه این موارد کار آسانی نیست چون مدیر در زمانی که برای انجام امور خود در تنگناست و مشغله کاری و فکری او را احاطه کرده است باید به بررسی دقیق مطالب بپردازد و قدر مسلم این روش نمی تواند مطالعه ای مطلوب و خالی از اشکال باشد. در این زمینه راه حل های مختلفی بررسی شده است از آن جمله ترتیبی اتخاذ شود که تمامی اطلاعات مورد نیاز مدیر در زمان بسیار کوتاهی به وی منتقل شود تا مدیر بتواند براساس آن، تصمیم گیری و اعمال مدیریت کند یکی از این روش ها خلاصه کردن مطالبی است که مدیر باید مطالعه کند از این رو مسئولان مرکز آموزش مدیریت دولتی براساس شناخت نیازهای واقعی مدیران، ضمن ارائه راهنمایی های لازم به نگارنده تکلیف کردند که چاره ای بیندیشم و راهکار مناسبی ارائه کنم.

با بررسی های لازم، خلاصه سازی نوشته های اداری را راه حل نسبتا مناسبی تشخیص دادم البته خلاصه ای جامع و کامل که خواننده بتواند همان مفهوم را برداشت کند. بدین ترتیب میزان زیادی از وقت وی آزاد می شود و می تواند اطلاعات اصلی را با صرف چهار تا شش درصد وقت روزانه به دست آورد و وقت آزاد شده را به کارهای اصلی و مهم خود اختصاص دهد.

کتابی که پیش رو دارید برای تدریس در دوره های خلاصه سازی نوشته های اداری تدوین و به گونه ای تنظیم شده است که علاوه بر رفع نیاز شرکت کنندگان دوره ها و کارگاه های آموزشی، بتواند به طور مستقل راهنمایی برای علاقه مندان در زمینه وظایف روزانه آنان باشد.

امید است که این خدمت ناچیز به درگاه قادر متعال مورد قبول افتد و بتواند یاری از دوش مدیران پرتوان، متعهد و با فضیلت میهن اسلامی مان بردارد؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

سید کاظم امینی

زندگی مسیر است نه مقصد؛

"کاظم امینی" و ارثی که برای نویسندگان به یادگار گذاشت

فرزانه یوسفیان- با وجود دلش بالایی که در زمینه نویسندگی داشت. تواضع و برخورد بزرگی و با علاقه مندان به نوشتن، ستودنی بود. براین مهم، نبود مطالبی که می خواند از نویسنده‌ای سرشناس باشد یا قدری که به نازگی قلم در دست گرفته است. نگاهش قرائن از کلمات و جملاتی بود که بر روی کاغذ نقش بسته بودند. او هویت داستان و یا متن را در پس آن نوشته‌ها می یافت و با همان آرامش همیشگی‌اش نکات خاص و ویژه‌ای را به نویسنده بازگویی کرد.

سال ۹۳ بود. مطلبی را با سرسنون لحظه‌های شیشه‌ای برای صفحه ۵ روزنامه پیام آشنا که آن زمان محمدرضا قرجاد نخستین استاد روزنامه نگاری‌ام مدیریت می کرد، نوشتم. روزی که مطلبم چاپ شد، تلفن دفتر تحریریه زنگ خورد و آقای قرجاد با همان صدای آرام و متینش با قدری آن طرف تلفن صحبت می کرد مرا صدا کرد و گفت آقای امینی با تو کار دارد. تپش قلب گرفتم نه برای ترس از او، چون قدری به دلش بالایی او می خواست درباره مطلبم با من صحبت کند. من در زمینه نویسندگی تازه کار بودم و قطعا نظر و دیدگاه او می توانست مرا به ادامه‌ی نوشتن امیدوار کند.

با همان دلهره‌ای که به جانم افتاده بود، گوشی تلفن را از دست آقای قرجاد گرفتم و بعد از سلام و احوالپرسی، آقای امینی گفت: «مطلب امروزت را خواندم، قلم شیوایی داری» تپش قلبم آرامتر شد. ادامه داد: «یکی از ویژگی‌های مطلبت این است که کودک ۷ ساله تا قدری ۷۰ ساله می تواند متوجه منظورت شود و از کلمات ثقیل استفاده نکرده‌ای. هرچه روان‌تر، بنویسی مخاطب با هر سن و تخصصی که داشته باشند، می تواند با آن ارتباط برقرار کند.» برایم آرزوی روزهای بهتری در راه روزنامه نگاری کرد. گوشی را قطع کردم و آنگار روی زمین را نمی رفتم. قدری مرا راهنمایی کرد که بودن در جوارش برای یادگیری نوشتن، آرزوی هر قدری بود.

چه سخت که باید برایش از اقدامی که از هستی و بودن فاصله دارد، استفاده کنم. دکتر کاظم امینی که تاثیر حضورش در دفتر تحریریه پیام آشنا و قلمش در صفحات این روزنامه، چنان ارزشمند و والا بود. امروز در بین ما نیست. همه می دانیم که طبیعت زندگی، آمدن، بودن و رفتن است و چه خوب که بودن‌مان جوری باشد که در هستی اثر گذار باشیم. تعداد سال هایی که هستیم مهم نیست. مهم این است که چه تاثیری بر جهان هستی از خود باقی می گذاریم. خوشا به حال دکتر کاظم امینی که نگاهش، کلامش و قلمش، بازرش ترین ارثی است که برایمان به یادگار گذاشته و بنا به حالی ما که چنین قدر بزرگواری را از دست دادیم.

F.Yousefianpour@Gmail.com

انگار از قاب عکسی قدیمی بیرون آمده بود

نسترن کیوان‌پور- در هیجان ایام انتخابات و پس از تکاپوی روزانه برای تهیه‌ی گزارش از ستادها و فضای انتخاباتی کرج و نوندگی‌های آخر شب که به خانه برمی گردم معمولا کمی استراحت می کنم و در فضای مجازی چرخ می زنم و سریال می بینم یا آهنگ گوش می‌دهم که ذهنم کمی آرام شود.

دیشب، اما با پیام یکی از همکاران تحتکفرم تو خُرِ در گذشت آقای کاظم امینیَ، از بزرگان کرج که یکی از یاران همیشگی پیام آشنا بود؛ استادی که همه‌ی ما از رفتارش، منش‌اش و دانش‌اش بسیار آموخته‌ایم، بسیار در دنا کو غافلگیر کننده‌تر جای خالی‌اش آن‌قدر احساس می‌شود که قابل‌ل از فقدان او به درد آمده.

دیشب با پیجها عکس‌های آقای امینی در تحریریه‌ی پیام آشنا را که مرور می‌کردیم، یاد خاطرات اولین دیدارم با او افتادم.

مردی شَسن، شیک‌پوش و مودب که کسوتی مانند یک استاد دانشگاه درجه یک و بسیار قابل داشت و همان زمان کوتاهی که با هم کار داشتم از ما به صحبت می‌نشست سعی می‌کرد به ما نکته‌ای یا درسی بیاموزد. اولین بار که دیدمش انگار دقیقاً از یک عکس قدیمی آمده بود و بیرون؛ از آن جوانی که پوشش و ظاهر مردان اوکتشیده و موقر بود و توجه به جزئیات در ظاهر نشان از دقت و غنی بودنشان در باطن داشت.

«یوم نمی‌شود هنوز که آقای امینی از دنیا رفته است پیام‌های زیبایی که همیشه برایم می‌فرستاد و هر کدام حاوی نکاتی ارزشمند بود هنوز در گوشی‌ام دارم و عجیب است خواندن دیوارهایش، اختلال انتقالی نیافته‌اند و اگر سلام و روز به خیر بگویم دو تا تیک کنار پیامم خواهم دید.

بلور کردنی نیست که این مرد بزرگ دیگر در میان ما نخواهد بود. همان گونه که بسیار زیبا زیست می‌دانم در آن دنیا نیز زندگی زیبا تری را تجربه خواهد کرد.

روحش شاد.

Nastaran.keyvanpour@gmail.com

گزارش

انتشار اخبار ضد و نقیض فضای رسانه‌ای را ملتهب کرد

سردرگمی خبری درباره سلامت شجریان

رسانه ملی در روزهای گذشته خبرهای مرتبط با وضع جسمانی استاد محمدرضا شجریان را تقریبا نادیده گرفت و از سوی دیگر منابع خبری وابسته به این هنرمند هم درباره وضع او اطلاع‌رسانی به‌موقع نداشتند. این دو رویکرد در ۴۸ ساعت گذشته به همراه بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌ها از مهمترین دلایل بالا و پر گرفتن شایعات درباره وضع استاد پرآوازه ایرانی بود. حتی تا خبر درگذشت هم پیش رفت و با سردرگمی مردم روبه بیمارستان جم کشاند. کامبیز نوروزی، حقوقدان و کارشناس رسانه درباره شایعات مرتبط با استاد محمدرضا شجریان در شبکه‌های اجتماعی (از شایعه قطع امید پزشکان تا خبر فوت استاد) و همچنین سکوت عجیب رسانه ملی درباره آن در کلال تلگرامش نوشته و تیغ انتقادش را به سمت نظام رسانه‌ای کشور گرفته است: «از فروپاشی و بی‌اعتباری نظام رسانه‌ای کشور همین بس که در عرض چند دقیقه خبر درگذشت یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های فرهنگی-هنری ایران معاصر در یک خبرگزاری رسمی و فضای مجازی منتشر می‌شود و بعد تکذیب خبری، راجع به بزرگمردی که اکثریتی بسیار بزرگ از مردمان ایران و حتی فارسی‌زبانان دنیا با حساسیت و دلی مضطرب آن را دنبال می‌کنند و خود را با پرسشی بزرگ مواجه می‌بینند. خبر رنجبار و دردناکی را که یک خبرگزاری رسمی منتشر کرد، با تکذیب فرزند محترم شجریان تکذیب شد. درست است که این موقع شب روزنامه‌ای نیستم ولی مثلا جایی مثل صداوسیما وجود دارد که با انتشار یک خبر دقیق التهاب دهها میلیون ایرانی فرو نشاند! اگر جمعدیران ارشد تلویزیون ایران سال‌های بسیار گذشته همه تلاش خود را به کار بردند تا این بزرگمرد فرهنگ و هنر ایران معاصر را به فراموشی بسپارند تلاشی که هیچ گاه به نتیجه نرسید. امروز هاو فردا هم به نتیجه نخواهند رسید چه آن جسم در میان ما باشد یا نه چراغ فرهنگ و مردان و زنان هنر، هیچ‌گاه محصور سیاه چادر سیاست نمانده است.» محمد سلطانی فر، استاد دانشگاه و معاون سابق صداوسیما هم در گفتوگو با ایسنا از منظر دیگری درباره این ماجرا توضیح داد: «ابهام به دلیل اینکه مراجع رسمی نزد افکار عمومی بی‌اعتبار شده‌اند، شکل می‌گیرد. در خلأ رسانه‌های رسمی فضای شایعه در رسانه‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. اما اگر رسانه‌های رسمی به سرعت ورود کنند، شاید کمتر شاهد این اخبار شایعه‌ای باشیم.» او معتقد است که اگر این شرایط بی‌اعتباری رسانه‌ها ادامه پیدا کند، شاید در آینده به جایی برسیم که دیگر از اعتبار رسانه‌ها چیزی باقی نماند: «شبیه در جایی شکل می‌گیرد که خبر نباشد و طبیعتا زمانی که اطلاع‌رسانی درست نباشد، از صندلی خالی شایعه برای اعلام اخبار مهم استفاده می‌شود.»

آنچه گذشت؟

هشتم بهمن‌ماه هم خبر بستری‌شدن استاد شجریان در بیمارستان منتشر شده بود که با توضیحات وزارت بهداشت شایعات تا حدودی از بین رفت، اما اینبار ماجرا کمی تفاوت داشت. پزشکان و اطرافیان استاد اعلام می‌کردند که همایون شجریان تنها منبع خبرهای مرتبط با استاد است و در این شرایط پست اینستاگرامی پسر، شایعات تلخ درباره وی را پررنگ‌تر کرد: «ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت...» از زمان انتشار این پست تا ۲۴ ساعت بعد خبر قطع امید خانواده و پزشکان تا درگذشت استاد پیش رفت، اما از پسر خبری نبود و پاسخی هم به تماس خبرنگاران نمی‌داد تا اینکه کیاوش جهان‌پور، سخنگوی وزارت بهداشت در ساعت پایانی روز جمعه در توییتی درگذشت استاد شجریان را تأیید کرد. پس از آن خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری از جمله فارس، تسنیم و عصر ایران خبر را منتشر کردند. اما به فاصله کمتر از یک ساعت همایون شجریان خبر را در صفحه اینستاگرام تکذیب کرد: «خواهشمندم به شایعات توجه نفرمایید و به آنها دامن نزنید. پدر به خاطر مشکلات ریوی که ناشی از بیماری قبلی‌شان است و در دو هفته اخیر کمی ادامه‌دار شده است، تحت مراقبت و رسیدگی‌های ویژه هستند و وضعیت‌شان از روز پنجشنبه بهتر شده است. خواهشمندم خبر صحیح را فقط از طریق صفحه اینجانب دنبال کنید»

تیر از کمان رها شده

در هر حال تیر از کمان در رفته و بسیاری از دوستداران استاد را به مقابل بیمارستان جم کشانده بود تا مویه‌کنان مرغ سحر را زمزمه کنند. حتی توضیحات افسانه شجریان هم آنها را قانع نکرد تا اینکه همایون شجریان به همراه پزشکان استاد به جمع مردم رفت: «سه چهارسال قبل به دلایل عوارض رادیوتراپی و تورم مغز، مراحل پیچیده‌ای طی شده بود و سرانجام هم پزشکان در آمریکا پدر را جواب کردند. اما بنده اصرار کردم در صورتی که ایشان عذاب و دردی نداشته باشد، حتی شده برای یک روز هم بیشتر و را برای ما نگه دارند این کار رایکنند. برای تغذیه در معده‌شان لوله‌ای کارگذاری شد تا نتوانند غذا به او بدهند و همین تغذیه مجدد باعث احیا شد. پس از آن شرایطی را فراهم کردیم تا به رغم برخی مشکلات پدر را به ایران منتقل کنیم و شکر خدا از آن روز تا امروز سه‌سال می‌شود که سایه پدر بالای سر ما همچنان هست» همایون شجریان به شایعاتی که در این مدت رقم خورده است اشاره کرد و گفت که هیچ‌کدام صحت نداشت: «اگر گاهی پیش می‌آمد که شرایط ایشان ناساعد می‌شد نمی‌خواستیم جزئیات آن را منتشر کنیم که باعث نگرانی دیگران شود، چون واقعاً هم چیز مهمی نبود. مثلا برای تعویض همین لوله تغذیه گاهی مجبور می‌شدیم پدر را به بیمارستان منتقل کنیم و نیاز بود تحت نظارت باشند. در مراحلی هم ایشان در روند فیزیوتراپی همراهی بسیار خوب و هوشیاری بالایی داشتند. درواقع تنها از جهاز جسمانی و حرکتی مشکلاتی وجود داشت و از نظر ذهنی مثل همیشه هوشیاری خودشان را داشتند. البته به دلیل نارضایتی از شرایط، مقداری افسردگی هم سراغ‌شان آمده بود. امروز که پدر در بیمارستان هستند هم به دلیل همان مسائلی است که به آن اشاره کردم. در این مدت به دلیل برخی مشکلات در سیستم بلع و دفع اخلاط، ریه‌شان دچار مشکلاتی شد و عفونتی ایجاد شده بود که شکر خدا هفته گذشته برطرف شد و ایشان را به خانه منتقل کردیم. چند روزی در خانه بودند، مجدد این مشکل پیش آمد و به دلیل همین مشکل ریوی، مجبور شدیم امروز به بیمارستان منتقل‌شان کنیم. خدا را شکر امروز حال‌شان از بیشب بهتر شده است. امیدواریم از این مرحله درمانی هم عبور کنند» اما مردم با تصور اینکه او تحت فشار این صحبت‌ها را مطرح کرده، به سخنان پیشین خود که «محمدرضا شجریان درگذشته است» قرار است درباره آن اطلاع‌رسانی نشود» اصرار داشتند اما همایون شجریان در پاسخ به آنها گفت: «اگر اتفاقی برای پدر افتاده بود، این گونه اینجا نبودم.»

وابستگی حیاتی استاد شجریان به دستگاه‌های تنفسی یکی از موارد دیگر بود که باور این موضوع را برای دوستداران استاد سخت کرده بود، اما همایون شجریان در پاسخ به آنها گفت: «شرایط فشار ایشان به صورتی بود که مجبور شدند از طریق دستگاه آن را کنترل کنند از نظر تنفس هم امروز هرچند از دستگاه کمک می‌گیرند اما همچنان خودشان تنفس دارند.» او چند ساعت پس از این حرف‌ها تصویری از نمایشگر علایم حیاتی پدر را در صفحه اینستاگرام منتشر کرد با وجود همه اینها همچنان شایعات در فضای مجازی و اذهان عمومی به قوت خود باقی است. از جمله اینکه اختلاف بر سر شرایط اعمال وصیت‌نامه استاد است یا مثلا اختلافی که برای قطع کردن دستگاه‌ها از ایشان وجود دارد که هیچ‌کدام به تأیید رسمی نرسید.

در هر حال شاید نبود اطلاع‌رسانی قوی از سوی رسانه ملی و رسانه‌های رسمی کشور و نبود اعتماد مردم به آنها یک سوی این ماجرا در شکل گیری شایعات باشد، اما قطعا سوی دیگر منابع اطلاع‌رسانی به رسانه‌ها هستند. به هر حال در همه نقاط دنیا افراد مهم اعم از هنرمندان موسیقی یا سینما از وجود مشاور رسانه‌ای برای جلوگیری از شایعات در مواقع ضروری بهره می‌برند، اما در ایران جز سایریتی‌های موسیقی بایه هیچ کدام از هنرمندان از این سمت استفاده تخصصی ندارند و بیشتر فرد نزدیک به آن شخص، خواهر، برادر، همسر، والدین یا فرزند این وظیفه را برعهده می‌گیرد. طبیعی است که در چنین شرایط اضطراب‌آوری گرفتن تصمیم درست برای نحوه اطلاع‌رسانی ماجرا برای اعضای نزدیک خانواده سخت و گاهی عذاب‌آور باشد.

نیره خادمی

بریده جراید

توصیه‌ای که یداالله ثمره به جا گذاشت و رفت

ایسنا- درحالی که یک سال از درگذشت یداالله ثمره می گذرد، مصطفی عاصی از توصیه این چهره پیشکسوت زبان‌شناسی برای تقویت و گسترش زبان فارسی به عنوان سرمایه فرهنگی مشترک برای همه ایرانیان می گوید.

یداالله ثمره (متولد سال ۱۳۱۱ در کرمان) از چهره‌های برجسته زبان‌شناسی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اولین رییس انجمن زبان‌شناسی ایران بود. تخصص او در حوزه آواشناسی و واج‌شناسی بود و چندین کتاب در زمینه آموزش زبان فارسی تألیف کرده است. یکی از برجسته‌ترین آثار ثمره کتاب «آواشناسی زبان فارسی» است. همچنین «ویرجمله‌ای به زبان فارسی»، «راهنمای تدریس زبان فارسی» که اکنون به چند زبان ترجمه شده است، ترجمه «نظام آوایی زبان» و ... از دیگر آثار او هستند.

مصطفی عاصی که اکنون رییس انجمن زبان‌شناسی ایران است و از شاگردان ثمره در نخستین کلاس‌های درس او در دانشگاه تهران بوده است در گفتوگو با ایسنا درباره خدمات این زبان‌شناس پیشکسوت به زبان فارسی می گوید: استاد ثمره بسیار به آینده زبان فارسی علاقه‌مند بودند. اصلا ذکر و ذکرشان همین بود و بسیار در این زمینه کار کرده بودند. اگر به پیشینه پژوهشی ایشان نگاه کنیم می‌بینیم که فقط در جهت شناخت و توصیف زبان فارسی کار کرده‌اند.

او می افزاید: ایشان در حوزه زبان‌شناسی و ادبیات تا آخرین روزهای تدریس با ما همکاری داشت و در این زمینه با علاقه کار می کرد و همیشه حرفش این بود که تا آن جا که ممکن است، برای تقویت و گسترش زبان فارسی فعالیت کنیم. چون این سرمایه فرهنگی مشترک برای همه ایرانیان است و همه باید قدرش را بدانیم.

عاصی همچنین درباره تاثیر حضور یداالله ثمره در انجمن زبان‌شناسی اظهار می کند: یداالله ثمره به عنوان یکی از پیشکسوتان و استادان تراز اول زبان‌شناسی ایران مورد احترام همه بودند و به همین دلیل به عنوان نخستین رییس انجمن زبان‌شناسی ایران انتخاب شدند و با علاقه این کار را انجام می‌دادند و خیلی به فعالیت‌ها و آینده انجمن امیدوار بودند.

این زبان‌شناس در ادامه درباره نقش یداالله ثمره در عرصه زبان‌شناسی بیان می‌کند: تصورم این است که به دلیل تخصصی که ایشان در زمینه آواشناسی و واج‌شناسی به واسطه تحصیلاتشان در انگلستان پیدا کرد و اولین کتابی که با عنوان «آواشناسی زبان فارسی» تألیف کرد که چند بار هم تجدید چاپ شده و کتاب مرجع است. در این عرصه تاثیر بسیار زیادی داشت و هنوز این کتابش در مجامع علمی مورد استفاده است. استاد ثمره اولین کاس را در جهت توصیف آوایی زبان فارسی برداشت و نظراتش هم کاملا مستدل و مورد استناد است.

او همچنین با بیان این که کلام‌های درس یداالله ثمره بسیار پرشور و به گرمی برگزار می‌شد می‌گوید: ایشان به جز شخصیت و منش علمی، خصوصیات اخلاقی بسیار برجسته‌ای داشت و از این نظر هم همیشه مورد احترام و علاقه دانشجویان‌شان بود.

مصطفی عاصی می‌افزاید: ما همیشه در همه مجامع علمی، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها که نیاز به اظهارنظر صاحب‌نظران در این زمینه داشتیم از استاد ثمره دعوت می‌کردیم و ایشان هم با علاقه تشریف می‌آورد و حضورش به جمع گرمی می‌داد و همه انگیزه پیدا می‌کردیم و جایش در این مجامع خالی خواهد ماند.

یداالله ثمره در مقدمه کتاب «آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجاها» (چاپ پنجم- ویرایش دوم در سال ۱۳۷۸) که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده، نوشته است:

زبان‌شناسی یکی از علوم تجربی است، زیرا ماده مورد مطالعه آن یعنی زبان، قابل درک و تجزیه به وسیله حواس است. گفتار را می‌شنویم، حرکات و فعالیت‌های اندام‌های گفتار را مستقیم و یا به‌طور غیرمستقیم می‌بینیم، مفاهیم و معانی گفتار را درک می‌کنیم و خط را که شکل نوشتاری زبان است می‌بینیم و می‌خوانیم.

در بین رشته‌های گوناگون زبان‌شناسی، آواشناسی بیش از همه جنبه تجربی دارد، زیرا زمینه کار آن مطالعه و توصیف صداهای زبان است، یعنی پدیده‌هایی که وجود خارجی محسوس دارند.